

Requiem (Salāt Al-mayyet) in the big cities of Iran during the Islamic period until the Mongol invasion

Seyysd Mohammad Mahdi Shariati * Ali Ghofrani**

Abstract

Islamic customs. one of the rituals of burying the dead was praying the dead. This prayer was performed by the Caliph, emirs and government officials, religious scholars, judges and relatives of the deceased. Jame or Mosalla of the city, mosques, squares, cemeteries and schools of the city and sometimes government places and plains and deserts were the place of prayer for the dead. The social position of the deceased was effective in determining the imam of the congregation and the place of its establishment. The authors of the article seek to answer these questions by examining local histories and biographical books, and with a descriptive-analytical method:1-What factors were effective and involved in the quality of holding the religious-social ritual of funeral prayer and the place where it was held?2- Who participated in the funeral prayer and with what intentions and motivations? Investigations show that factors such as family ties, social and occupational status, and the extent and manner of the deceased's relationship with the ruling political structure have played a role in the quality of prayer and the choice of the place to perform the funeral prayer. Also, the high occupational and social status of the deceased made the elders of the city and many people participate in the funeral prayer with the intention of appreciating the efforts of the deceased and also bowing to religious rituals.

Keywords: Social history of Islamic Iran, Funeral rituals, Requiem (Salāt Al-mayyet), Place of Requiem, Cemetery

* Phd student of Islamic Culture and Civilization, Islamic knowledge university, Qom, Iran,
s.m.mahdi.shariaty@gmail.com

** Associated professor of Iranian Studies, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran,
a.ghofrani@basu.ac.ir

Date received: 23 /05/ 2023, Date of acceptance: 12 /09/ 2023



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نماز میت در شهرهای بزرگ ایران دوره‌ی اسلامی تا حمله‌ی مغول

سید محمد مهدی شریعتی*

علی غفرانی**

چکیده

در ایران دوره‌ی اسلامی و با تأثیر از شریعت اسلام، مردگان با آداب اسلامی به خاک سپرده می‌شدند. از جمله آداب خاکسپاری اموات، اقامه‌ی نماز میت بود. اقامه‌ی نماز توسط خلیفه، امیران و کارگزاران حکومتی، دانشمندان دینی، قضات و خویشاوندان میت صورت می‌گرفت. جامع یا مصلا‌ی شهر، مساجد، میادین، گورستان‌ها و مدارس شهر و گاهی نیز اماکن حکومتی، مکان‌های برگزاری نماز میت بودند. نویسندگان مقاله با بررسی تاریخ‌های محلی و کتاب‌های تراجم و طبقات، و با روش توصیفی-تحلیلی، در صدد پاسخ به این سوال‌ها هستند که ۱- چه عواملی در کیفیت برگزاری آیین دینی-اجتماعی نماز میت و محل برگزاری آن اثرگذار و دخیل بود؟ ۲- چه کسانی و با چه نیات و انگیزه‌هایی در نماز میت شرکت می‌کردند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند پیوندهای خانوادگی، جایگاه اجتماعی و شغلی افراد و میزان و چگونگی ارتباط متوفی با ساختار سیاسی حاکم، در کیفیت برگزاری نماز و انتخاب محل برگزاری نماز میت دخالت داشت. همچنین موقعیت شغلی و اجتماعی متوفی سبب می‌شد تا بزرگان شهر و مردمان بسیاری با نیت قدردانی از زحمات متوفی و نیز تعظیم شعائر دینی در نماز میت شرکت کنند.

کلیدواژه‌ها: ایران اسلامی، آیین‌های خاکسپاری، نماز میت، مکان‌های برگزاری، گورستان

۱. مقدمه

با ورود و انتشار اسلام در ایران، دین اسلام بر فرهنگ و تمدن ایرانیان اثر گذاشت و فرهنگ و تمدن ایران دوره‌ی اسلامی به عنوان بخشی از تمدن اسلامی تجلی کرد. شناخت تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی برای بازیابی تمدن نوین اسلامی تنها با بررسی، تحلیل و نقد عناصر و جزئیات تشکیل دهنده و آداب و رسوم جاری در آن حاصل می‌شود.

آداب اسلامی در کفن و دفن و نماز میت، از پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی ایران دوره‌ی اسلامی است. یک پدیده‌ی فرهنگی است از این جهت که با اعتقادات و باورهای انسان پیوند

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. s.m.mahdi.shariaty@gmail.com

** دانشیار گروه ایران‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. a.ghofrani@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۱



دارد و یک رفتار هویت‌بخش برای مسلمانان است و یک پدیده اجتماعی است چون مربوط به زیست جهان مادی و معنوی توده‌های مردم و روابط مردم با مردم است.

این پژوهش در صدد بررسی این پدیده در بخشی از تمدن اسلامی یعنی شهرهای بزرگ ایران دوره‌ی اسلامی است. مقصود از شهرهای بزرگ ایران، شهرها و مناطقی هستند که در باره آنها تاریخ محلی نوشته شده و به جا مانده است. با توجه به اینکه حمله مغولان یک نقطه عطف در تاریخ ایران به شمار می‌رود، این پژوهش تا پیش از حمله‌ی مغول را در بر می‌گیرد. نویسندگان مقاله با بررسی تاریخ‌های محلی و کتاب‌های تراجم و طبقات، و با روش توصیفی-تحلیلی، در صدد پاسخ به این سوال‌ها هستند که ۱- چه عواملی در کیفیت برگزاری آیین دینی-اجتماعی نماز میت و محل برگزاری آن اثرگذار و دخیل بود؟ ۲- چه کسانی و با چه نیات و انگیزه‌هایی در نماز میت شرکت می‌کردند؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند پیوندهای خانوادگی، جایگاه اجتماعی و شغلی افراد و میزان و چگونگی ارتباط متوفی با ساختار سیاسی حاکم، در کیفیت برگزاری نماز و انتخاب محل برگزاری نماز میت دخالت داشت. همچنین موقعیت شغلی و اجتماعی متوفی سبب می‌شد تا بزرگان شهر و مردمان بسیاری با نیت قدردانی از زحمات متوفی و نیز تعظیم شعائر دینی در نماز میت شرکت کنند.

از آنجا که موضوع این پژوهش فاقد پیشینه‌ی پژوهشی است و تاکنون هیچ کتاب یا مقاله‌ای با رویکرد تاریخی در مورد نماز میت در ایران نوشته نشده است، در گام نخست داده‌های اولیه از کتاب‌های تاریخ محلی ایران استخراج شد. کتاب‌های تاریخ بخارا اثر ابوبکر نرشخی، تاریخ قم اثر حسن بن محمد قمی، تاریخ سیستان، محاسن اصفهان مافروخی، فارسنامه‌ی ابن بلخی، تاریخ بیهق اثر علی بن زید بیهقی، آثار افضل الدین کرمانی شامل: عقد العلی للموقف الاعلی، بدایع الازمان فی وقایع کرمان و المضاف الی بدایع الازمان، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری، تاریخ جرجان سهمی، ذکر اخبار اصبهان اثر حافظ ابونعیم اصفهانی، المنتخب من السیاق لتاریخ نیشابور اثر ابواسحاق صریفینی، القند فی معرفه علماء سمرقند اثر ابوحفص عمر نسفی و التدریس فی اخبار قزوین اثر رافعی قزوینی مطالعه و اگر واجد مطلبی در مورد نماز میت بود، استخراج گردید.

همچنین برخی از مهمترین کتاب‌های طبقات و تراجم از جمله الأنساب سمعانی، طبقات الشافعیة الکبری سبکی و ... مطالعه و هرآنچه در این مورد در آنها مطرح شده بود، جمع‌آوری شد.

مقاله پیش‌رو، حاصل استنتاج و تحلیل اطلاعات و داده‌های استخراج شده از منابع مذکور است.

در آیین اسلام واجب است پیش از خاکسپاری بر جسد مسلمان نماز میت خوانده شود (مغنیه، ۱۴۲۱: ج ۱، ۵۹). نماز میت در واقع تجلیل و بزرگداشتی برای متوفای مسلمان و نوعی

تعظیم شعائر بود که با پایان یافتن زندگی اش صورت می‌گرفت. آنان در مقابل این پیکر، رو به قبله می‌ایستادند و به صورتی که تشریح شده، برای او از خدا طلب آمرزش و رحمت می‌کنند. از امام رضا (ع) روایت شده است که طلب آمرزش برای میت، علت تشریح نماز میت است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۱۱۳).

نماز میت توسط شرع تعیین شده و تقریباً در مذاهب اسلامی یکسان بود (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۷۲۴). آنچه که در چگونگی برگزاری نماز میت در منابع تاریخی انعکاس یافته، جنبه های اجتماعی نماز میت بوده که در تفاوت اقامه‌کنندگان و مکان‌های اقامه نماز میت جلوه گر شده است.

به طور کلی، موقعیت و جایگاه اجتماعی متوفی، در تعیین امام جماعت نماز میت و مکان برگزاری نماز میت مؤثر بود. مثلاً اگر متوفی دانشمند پرآوازه شهر بود و جمعیت انبوهی برای اقامه‌ی نماز بر او می‌آمدند، یکی از دانشمندان بزرگ شهر در جامع یا مصلاهی شهر بر او نماز می‌خواند.

۲- اقامه‌کنندگان نماز میت

نماز میت از آنجا که یک عمل عبادی بود، اغلب توسط عالمان دینی و آگاهان به شریعت اقامه می‌شد. اما گزارش‌هایی از اقامه‌ی نماز میت توسط خلیفه، حاکمان و امیران محلی و صاحب منصبان حکومتی در ایران دوره اسلامی وجود دارد. این مطلب با توجه به اینکه حکومت در تمدن اسلامی از جمله ایران، امری دینی بود و خلفا و به تبع ایشان حاکمان و صاحب منصبان آنان، برای خود جایگاه رهبری دینی و سیاسی جامعه را به صورت توأمان قائل بودند، طبیعی می‌نماید.

با توجه به مصادیق متعدد در گزارش‌های تاریخی موجود که در آنها اقامه‌کنندگان نماز نسبت به کسانی که بر آنها نماز خوانده‌اند، مشهورتر و یا از شهرت یکسانی برخوردار بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت در بسیاری از موارد بین کسی که نماز را اقامه می‌کرد و کسی که بر پیکرش نماز خوانده می‌شد، نوعی توازن و همسنگی از نظر مرتبه علمی، اجتماعی و یا سیاسی برقرار بود و یا در صورت نبود این ترازمندی، اقامه‌ی نماز میت توسط یک چهره‌ی علمی یا سیاسی برجسته، بیانگر عظمت علمی، اجتماعی و یا سیاسی نسبی متوفی و یا حداقل احترام و ارادت آن شخصیت به ساحت او بود.

به همین سبب، اینکه چه شخصیتی بر پیکر شخصیت دیگر نماز اقامه می‌کرد، توسط جامعه پیگیری می‌شد و در بسیاری از منابع تاریخی اعم از تواریخ محلی، کتب طبقات و تراجم و حتی تواریخ عمومی انعکاس پیدا می‌کرد.

طرف دیگر این مسأله احتراز از اقامه کردن نماز میت بر پیکر متوفا بود که در جامعه، اعلام براءت و بیزاری از او و یا از تفکر، مذهب یا مسلکش تلقی می‌شد. البته به ندرت این موارد در

منابع ثبت شده است. امتناع شیخ ابوالقاسم علی بن عبدالله گرکانی (د. ۴۵۰ق) از گزاردن نماز بر جنازه ابوالقاسم فردوسی (د. ۴۱۶ق) به سبب اینکه او زرتشتیان و کافران را مدح کرده، از همین موارد نادر است که در برخی از منابع متأخر از زمانه‌ی فردوسی مطرح شده است (عطار نیشابوری، ۱۳۶۱: ۱۸۳-۱۸۴؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۶۱).

مهم‌ترین گروه‌هایی که نماز میّت اقامه می‌کردند عبارت بودند از:

۲-۱ خلفا

پیامبر اعظم (ص) به عنوان حاکم دینی جامعه، نماز میّت برخی صحابه را اقامه کردند. گاهی نیز نزدیکان متوفی از ایشان برای اقامه‌ی نماز میّت دعوت می‌کردند. از مشهورترین کسانی که پیامبر (ص) بر پیکر آنها نماز گزاردند، نجاشی پادشاه حبشه بود که پیامبر (ص) از راه دور بر پیکرش نماز گزاردند (ابن اثیر، ۱۹۸۹: ج ۱، ۱۱۹-۱۲۰). پس از پیامبر (ص)، خلفا نیز که خود را رهبر دینی جامعه می‌دانستند، نماز میّت اقامه می‌کردند. گزارش‌های تاریخی متعددی از اقامه‌ی نماز میّت توسط خلفا به ویژه خلفای نخستین در مدینه و خلفای عباسی در بغداد، وجود دارد؛ ولی از آنجا که موضوع این مقاله ایران است، به ذکر دو نمونه از اقامه‌ی نماز میّت توسط مأمون خلیفه‌ی عباسی در ایران بسنده می‌شود.

مأمون (د. ۲۱۸ق) ولیعهد دوم هارون الرشید (د. ۱۹۳ق) که از سوی او بر خراسان و نواحی شرقی خلافت عباسی امارت یافته بود (یعقوبی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۴۲۳)، پس از به خلافت رسیدن تا سال ۲۰۴ ه.ق در خراسان باقی ماند (همان: ج ۲، ۴۷۲). مأمون در بازگشت از مرو به عراق در توطئه‌ی شهادت امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ ه.ق، خود بر پیکر مطهر ایشان نماز گزارد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۸، ۵۶۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۴۸). البته در منابع شیعی ذکر شده است که غیر از این نماز، نماز دیگری نیز توسط امام جواد (ع) بر پیکر امام رضا (ع) خوانده شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۴۴).

مأمون در مسیر بازگشت به بغداد همچنین بر پیکر محمد دیباج فرزند امام صادق (ع) که در سال ۲۰۳ ه.ق در جرجان وفات یافت، نماز خواند و او را در همان جا به خاک سپرد (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰۹). محمد بن جعفر دیباج در سال ۱۹۹ ه.ق در مکه ضد مأمون قیام کرده بود. قیام او در زمره قیام‌های متعددی بود که از سوی علویان و دیگر مخالفان خلافت عباسی رخ می‌داد. او سرانجام در سال ۲۰۰ ه.ق تسلیم شد. او را نزد مأمون در خراسان بردند و مأمون او را گرامی داشت و در خراسان نزد خود نگه داشت (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به اصفهانی، ۴۳۸-۴۴۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۵۳۶-۵۴۰).

نماز گزاردن مأمون بر پیکر امام رضا (ع) و محمد بن جعفر دیباج، احترام و بزرگداشتی از سوی مأمون نسبت به خاندان پیامبر (ص) و علویان محسوب می‌شد و از آن دست اقداماتی بود که مأمون برای تثبیت حکومت خود در برابر گسترش نفوذ تشیع و قیام‌های علویان صورت می‌داد. او با چنین رفتارهایی سعی در زدودن اتهام قتل امام و دشمنی با علویان را از دامن خود

داشت. زمانی که علویان از مأمون به سبب نماز بر محمد دیباج تشکر کردند، او این اقدام را رعایت حرمت فرزندان امام علی (ع) عنوان کرد (قمی، ۱۳۸۵: ۶۰۹).

۲-۲ امیران، والیان و کارگزاران حکومتی

چنان که اشاره شد، حکومت در تمدن اسلامی جنبه دینی داشت و حاکمان و کارگزاران حکومتی نیز مبادرت به برپا داشتن شعائر دینی از جمله نماز میّت می‌کردند. مثلاً نصر بن سیار (د. ۱۳۱ق) والی اموی خراسان، در جریان قتل واصل بن عمرو حاکم بخارا، بر پیکر او در سمرقند نماز خواند (نرشخی، ۱۳۶۳: ص ۸۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۱۷۶). یزید بن مزید والی سیستان از سوی مهدی عباسی (د. ۱۶۹ق) بر جسد والی پیش از خود عبیدالله بن علاء در سال ۱۶۰ ه.ق نماز گذاشت (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ص ۱۶۷). از این نمونه‌های تاریخی چنین برداشت می‌شود که والیان و کارگزاران حکومتی بر اقامه‌ی نماز بر اجساد رجال و کارگزاران حکومتی وابسته به جریان خود، اهتمام داشتند. نمونه دیگر اینکه حسن بن هلقام جانشین نصر بن احمد سامانی (نصر اول. د. ۲۷۹ق) حکمران سمرقند بر زیرک أعرج (د. ۲۴۸ق) فرمانده سپاه سمرقند نماز خواند (نسفی، ۱۳۷۸: ۱۸۳). البته گزارش‌هایی در مورد اقامه‌ی نماز توسط والیان و کارگزاران حکومتی بر افراد غیروابسته و یا حتی از جریان رقیب هم موجود است. مثلاً صقر بن عبدالله کارگزار یزید بن عمر هبیره (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۶، ۲۰۷-۲۰۸) (د. ۱۳۲ق) والی امویان در عراقین بر پیکر ابواسحاق عمرو بن عبدالله همدانی سبعی (همان، ج ۵: ۳۹۲-۴۰۱) از تابعین نماز گزارد (ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۵۱-۴۵۲). عباس بن عمرو غنوی (د. ۳۰۵ق) حاکم عباسی قم (زرکلی، ۲۰۰۲: ج ۳، ۲۶۳)، بر پیکر محمد بن موسی مبرقع فرزند امام جواد (ع) و نخستین فرد از سادات رضوی که از کوفه به قم آمده بود، در سال ۲۹۶ ه.ق نماز گزارد (قمی، ۱۳۸۵: ص ۵۷۷-۵۷۵ و ۵۸۱-۵۸۳).

گزارش‌های متعدد تاریخی نیز از اقامه‌ی نماز میّت توسط امیران، حاکمان و رجال خاندان سامانی بر پیکر دانشمندان در دست است. اقامه‌ی نماز میّت بر پیکر دانشمندان، توسط امیران سامانی، یکی از جلوه‌های تکریم اهل علم و دانش بود که از سیاست‌های علمی و فرهنگی امیران سامانی به شمار می‌رفت و منجر به شکوفایی علمی دوره‌ی سامانی شده بود.

احمد بن اسد بن سامان (د. ۲۵۰ق) امیر فرغانه و سمرقند و سر سلسله سامانیان، بر ابوحفص عمر بن یعقوب عامری (د. ۲۴۰ق) نماز گذاشت (نسفی، ۱۳۷۸: ۴۷۲). نصر بن احمد سامانی (نصر اول. د. ۲۷۹ق) حکمران سمرقند بر پیکرهای سعد بن نصر سمرقندی (د. ۲۳۱ق)، عباس بن خطاب سمرقندی (د. ۲۳۴ق) و ابوالحسین علی بن اسحاق حنظلی (د. ۲۳۷ق) که هر سه از محدثان بودند، نماز گذاشت (همان: ۲۱۱، ۵۹۴ و ۵۰۴-۵۰۵). اسماعیل بن احمد سامانی (د. ۲۹۵ق) نیز بر ابوبراهیم اسحاق بن اسماعیل (د. ۲۵۹ق) نماز خواند (همان: ۲۵۲).

گزارش‌های دیگری نیز از اقامه‌ی نماز میّت توسط حاکمان و امیرزادگان سامانی نقل شده است (همان: ۱۴۵، ۲۰۳، ۲۹۶ و ۴۷۲).

رجال درباری سامانی نیز برای نشان دادن چهره اجتماعی از خود، به اقامه‌ی نماز میّت مبادرت می‌کردند. به عنوان نمونه، حسن بن هلقام جانشین نصر بن احمد سامانی در سمرقند، زمانی که نصر شهر را برای نبرد با دشمن ترک کرده بود، بر ابوالحسن علی بن حکیم سعدی (د. ۲۳۵ق) از محدثان سمرقند نماز گزارد (همان: ۵۰۱). ابوعلی بلعمی (د. ۳۶۳ق) وزیر سامانیان نیز برای اقامه‌ی نماز بر پیکر ابو محمد احمد بن عبدالله مزنی (د. ۳۵۶ق) در بخارا حاضر شد (سبکی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۱۹).

۲-۳ دانشمندان

گزارش‌های متعددی از اقامه‌ی نماز میّت توسط دانشمندان در دست است. بیشتر این دانشمندان، عالمان علم حدیث و فقه بودند و سبب مبادرت آنها بر نماز میّت این بود که محدثان و فقیهان، آگاهان و مرزبانان شریعت و احکام بودند و نماز میّت نیز حکمی شرعی بود. بیشتر افرادی که گزارش شده دانشمندان بر پیکر آنها نماز خوانده‌اند، خود اهل علم و دانش و اغلب محدث بوده‌اند.

نکته‌ی دیگر اینکه اهتمام دانشمندان بر اقامه‌ی نماز میّت بر پیکر دانشمندان متوفی، متمایز از اقامه‌ی نماز بر عموم افراد جامعه و یکی از جلوه‌های بزرگداشت برای دانشمند متوفی بود و این امر باید در راستای جایگاه شامخ علم و دانش و به تبع آن دانشمند در تمدن اسلامی ارزیابی شود.

چنانکه گذشت، با توجه به گزارش‌های تاریخی موجود، در بسیاری از موارد بین اقامه‌کننده نماز و کسی که بر پیکرش نماز خوانده می‌شد، نوعی توازن و همسنگی از نظر مرتبه علمی یا اجتماعی برقرار بود و یا در صورت عدم این ترازمندی، اقامه‌ی نماز میّت توسط یک چهره‌ی علمی برجسته، بیانگر عظمت علمی نسبی متوفی و یا حداقل احترام و ارادت آن شخصیت به ساحت او بود. این نکته در نمونه‌هایی که ذکر خواهد شد، به خوبی نمایان است.

به همین سبب اینکه چه شخصیتی بر پیکر شخصیت دیگر نماز اقامه می‌کرد، توسط عموم جامعه و به خصوص جامعه علمی پیگیری می‌شد. از این رو در کتاب‌های تاریخ محلی، تراجم و طبقات نظیر تاریخ نیشابور، تاریخ جرجان، السیاق لتاریخ نیشابور، القند فی ذکر علماء سمرقند، الانساب و ... و حتی در کتاب‌های تاریخ عمومی مثل تاریخ طبری نام فردی که بر پیکر شخصیت‌های بزرگ و مشهور نماز گزارده، در موارد متعددی گزارش شده است.

هرچند مباحث مرتبط با دانش و دانشمندان به طور کلی در کانون توجه نسبی جامعه قرار داشت و اقامه‌ی نماز دانشمندی بر پیکر دانشمند دیگر نیز از جمله‌ی همین مباحث بود، اما باید توجه داشت که مطرح کردن نام اقامه‌کننده‌ی نماز بر پیکر دانشمندان در شرح حال‌های آنان در

کتاب رجالی، تراجم و طبقات در حالی است که در موارد متعددی این شرح حالها از چند سطر و در برخی از موارد حداکثر از چند صفحه‌ی معدود تجاوز نمی‌کند و این مطلب بیان‌گر اهمیت این موضوع برای جامعه‌ی آن روز است.

ابوعمر و محمد بن جعفر بن محمد بن مطر نیشابوری (د. ۳۶۰ق) از محدثان مشهور نیشابور (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۱۶۲-۱۶۳)، بر ابوالحسین احمد بن محمد یحوی (د. ۳۴۴ق) و ابوالعباس محمد بن یعقوب اصم (د. ۳۴۶ق) در نیشابور نماز میت خواند (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۳، ۴۸۶ و ج ۱، ۹۳).

ابواحمد محمد بن محمد بن احمد بن اسحاق نیشابوری (د. ۳۷۸ق) معروف به «محدث خراسان» از محدثان مشهور نیشابور در قرن چهارم (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۸۷؛ ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۳۷۰-۳۷۷)، بر ابوحسین احمد بن عبدالله کرایسی (د. ۳۶۶ق) و ابواحمد محمد بن احمد حسنی (د. ۳۷۵ق) نماز گذاشت (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۷، ۱۲۷ و ج ۴، ۱۶۳). ابواحمد حسین بن علی تمیمی (د. ۳۷۵ق) معروف به حسینک (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۶۰) وصیت کرد تا ابواحمد نیشابوری بر او نماز بگذارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۳، ۸۲). ابواحمد همچنین بر جنازه‌ی ابوعمر و محمد بن احمد حیری (د. ۳۷۶ق) نماز گذاشت (ذهبی، ۱۹۶۲: ج ۱۶، ۳۵۶-۳۵۹؛ سبکی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۷۰).

ابوطیب سهل بن محمد صلوکی (د. ۴۰۴ق) فقیه شافعی نیشابور (ذهبی، همان ج ۱۷، ۲۰۷-۲۰۹) نیز بر ابوبکر محمد بن عبدالله جوزقی (د. ۳۸۸ق) و ابومحمد عبدالرحمن بن احمد (د. ۳۹۴ق) نماز اقامه کرد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۳، ۴۰۶ و ج ۹، ۳۶۳).

ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی (د. ۴۰۶ق) از متکلمان مقیم نیشابور (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۲۱۴-۲۱۶) نیز بر ابومحمد عبدالله بن حامد ماهانی (د. ۳۸۹ق) نماز اقامه کرد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۶۲؛ سبکی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۳۰۷).

ابوبکر عبدالرحمان بن اسماعیل صابونی (صریفینی، ۱۳۶۲: ۴۹۱) نیز بر ابوعبدالله محمد بن علی خبازی (د. ۴۴۹ ه.ق)، ابواسحاق ابراهیم جیلی (د. ۴۵۱ق) و ابوبکر محمد بن محمود تمیمی (د. ۴۹۱ق) نماز گزارد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۴۰، ۱۵۷-۱۵۸ و ۶۸).

ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی (د. ۴۷۸ق) مشهور به امام الحرمین جوینی، از مدرسان معروف نظامیه نیشابور (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۸، ۴۶۸-۴۷۷) نیز بر ابوسعید مسعود بن ناصر رکاب (د. ۴۷۷ق) نماز اقامه کرد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۶۶۵-۶۶۶).

ابوسعید عبدالواحد بن عبدالکریم قشیری (د. ۴۹۴ق) از دانشمندان نیشابور و خطیب جمعه این شهر (صریفینی، ۱۳۶۲: ۵۱۹-۵۲۰) بر ابوبکر محمد بن یحیی مزکی (د. ۴۶۴ق)، ابوبکر احمد بن علی شیرازی (د. ۴۸۷ق) و ابوالحسن احمد بن محمد شجاعی (د. ۴۹۰ق) که هر سه از محدثان نیشابور بودند، نماز اقامه کرد (همان: ۶۱، ۱۳۷ و ۱۴۱).

این نمونه‌ها مربوط به شهر نیشابور بود. در شهرهای دیگر ایران دوره‌ی اسلامی نیز چنین نمونه‌هایی وجود دارد.

ابوبکر احمد بن ابراهیم اسماعیلی (د.۳۷۱ق) از دانشمندان بنام شافعی‌ها در جرجان (سهمی، ۱۴۰۷: ۱۰۸-۱۱۶؛ سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۳۹-۲۴۱) بر ابوجعفر محمد بن احمد فامی (د.۳۵۸ق) قاضی و خطیب جرجان نماز اقامه کرد (سهمی، ۱۴۰۷: ۴۲۸). ابوبکر اسماعیلی بر ابوعمر و محمد بن عبدالله وزدولی (د.۳۵۹ق) از محدثان جرجان نیز نماز اقامه کرد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۳، ۳۲۸). او همچنین بر ابواحمد عبدالله بن عدی (د.۳۶۵ق) از حافظان حدیث در جرجان نماز گزارد (سهمی، ۱۴۰۷: ۴۴۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۳، ۲۳۸).

فرزند او ابونصر محمد بن احمد اسماعیلی (د.۴۰۵ق) (سهمی، ۱۴۰۷: ص ۴۵۲-۴۵۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۴۱-۲۴۲) بر ابواسحاق ابراهیم بن محمد (د.۳۶۸ق) و ابوبکر محمد بن ابراهیم (د.۳۹۹ق) نماز گزاشت (سهمی، ۱۴۰۷: ۱۳۸ و ۴۵۲). ابونصر همچنین بر پیکر برادرش ابوسعید اسماعیل بن احمد اسماعیلی (د.۳۹۶ق) نماز اقامه کرد (همان: ۱۴۷).

ابوالعباس جعفر بن محمد مستغفری (د.۴۳۲ق) از دانشمندان پرآوازه حنفی مذهب و صاحب تألیف *ماوراءالنهر* (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۲۴۱-۲۴۲؛ ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۵۶۴-۵۶۵)، نیز بر جنازه تعدادی از دانشمندان سمرقند از جمله ابوالمظفر عبدالله بن محمد (د.۴۱۲ق)، ابواسحاق ابراهیم بن محمد مودوی (د.۴۱۳ق) و ابواسحاق ابراهیم بن علی زندنیایی (د.۴۱۹ق) نماز اقامه کرد (نسفی، ۱۳۷۸: ۳۳۲، ۵۲ و ۵۳).

جالب توجه است که برخی مؤلفان تاریخ‌های محلی و تراجم که در حقیقت در زمره‌ی دانشمندان صاحب تألیف بودند و شهرت و اعتبار اجتماعی خاصی داشتند، بر برخی شخصیت‌ها در شهر و موطن خود و یا حتی در شهرهای دیگر نماز میت می‌خواندند و در آثار خود به این موضوع اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی (د.۵۶۲ق) از دانشمندان قرن ششم هجری که به بسیاری از منابع که امروزه به دست ما نرسیده است، دسترسی داشته، در اثر مشهورش *الأنساب* از حاکم نیشابوری مؤلف کتاب *تاریخ نیشابور* نقل کرده است که او در مکه بر ابومحمد صالح بن محمد ترمذی نماز خوانده بود (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۳، ۴۳). سمعانی همچنین از ابوعبدالله محمد بن احمد غنجار بخاری (د.۴۱۲ق) مؤلف کتاب *موسوم* به «تاریخ بخارا» نقل کرده است که بر جنازه‌ی ابوبکر محمد بن احمد بخاری (د.۳۵۰ق) در بخارا نماز خوانده بود (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۵، ۲۰۷). حمزه بن یوسف سهمی (د.۴۲۷ق) مؤلف تاریخ جرجان در اثر خود نوشته است که بر جنازه ابوالقاسم عبدالله بن احمد (د.۳۷۵ق) که از جرجانی‌های مقیم بصره بود، در جامع بصره نماز گزارد (سهمی، ۱۴۰۷: ۲۷۳). حافظ ابونعیم اصفهانی (د.۴۳۰ق) محدث و مؤلف نامدار قرن چهارم و پنجم هجری بر جنازه‌ی ابوجعفر محمد بن جعفر خیاط (د.۳۸۵ق) حاضر شده و نماز گزارده بود (ابونعیم اصفهانی، ج ۲، ۲۵۴). همچنین ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (د.۵۲۹ق) مؤلف

«السیاق لتاریخ نیشابور» بر پیکر ابوالحسن علی بن سهل (د. ۴۹۱ق) نماز گزارد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۵۹۶). عمر بن محمد نسفی (د. ۵۳۷ق) نویسنده‌ی کتاب «التند فی ذکر علماء سمرقند» بر ابوسعید عبدالله بن ابومظفر (د. ۵۲۳ق) و بکر بن عبدالله خرقانی (د. ۵۲۵ق) در سمرقند نماز گزارد (نسفی، ۱۳۷۸: ۳۴۶ و ۷۰۲).

۲-۴ قضات

قضات که در روزگاران قدیم از میان عالمان فقه برگزیده می‌شدند و مسئولیت اجتماعی و حقوقی داشتند، از جمله کسانی بودند که به خواندن نماز میت مبادرت می‌نمودند. قاضی در حقیقت نائب خلیفه در امر قضا بود و از این جهت در زمره‌ی کارگزاران حکومتی قرار می‌گرفت و از جهت دیگر از آنجا که بر اساس مذاهب اسلامی قاضی باید عالم و بلکه مجتهد در احکام می‌بود (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۲۰۷)، در زمره دانشمندان قرار می‌گرفت.

گزارش‌های چندی از اقامه‌ی نماز میت توسط قضات در شهرهای مختلف ایران دوره‌ی اسلامی در دست است. قاضی علی بن احمد کردی در جرجان بر ابواسحاق عمران بن موسی بن مجاشع (د. ۳۰۵ق) نماز گزارد (سهمی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۲؛ سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۳، ۲۵۷). قاضی یحیی بن منصور (د. ۳۵۱ق) (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۶، ص ۲۸) در نیشابور بر پیکر ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل (د. ۳۳۸ق) نماز گزارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۵، ۱۳۴). او همچنین بر ابوبکر محمد بن داود (د. ۳۴۲ق) و ابوالولید حسان بن محمد (د. ۳۴۹ق) نماز گزارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۶، ۲۳۸ و ج ۱۰، ۳۷۲). قاضی ابوبکر احمد بن حسین حرشی بر پیکر دایی خود ابومنصور عبیدالله بن احمد (د. ۳۵۷ق) نماز اقامه کرد (همان: ج ۱۲، ۱۲۷). قاضی ابونصر در نیشابور بر ابونصر محمد بن احمد ولی (د. ۳۸۱ق) نماز گزارد (همان: ج ۱۳، ۳۶۲). قاضی ابوبکر احمد بن حسن حیری (د. ۴۲۱ق) (صریفینی، ۱۳۶۲: ص ۹۳-۹۴) بر پیکر پدرش ابوعلی حسن بن محمد حرشی (د. ۳۸۸ق) نماز اقامه کرد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۴، ۱۲۴). قاضی ابوهیثم عتبه بن خیثمه (د. ۴۰۶ ق) (صریفینی، ۱۳۶۲: ۶۰۵) بر ابواحمد محمد بن احمد مراری (د. ۳۹۵ ق) نماز گزارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۱۷۰). قاضی عبدالملک بن حسین بر ابوالحسن علی بن احمد قلاسی (د. ۴۴۷ق) نماز گذاشت (نسفی، ۱۳۷۸: ۵۲۷). قاضی ابوالقاسم منصور بن صاعد بر ابوالحسن احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی (د. ۴۶۹ق) نماز اقامه کرد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۳۰-۱۳۱). قاضی ابوالعلاء صاعد بن منصور (همان: ۴۰۳-۴۰۴) (د. ۵۰۶ق) بر ابوحامد احمد بن محمد کرابیسی (د. ۴۷۴ق) نماز گزارد (همان: ۱۳۷). او همچنین در زمانی که قاضی القضاة و خطیب نیشابور بود، بر ابوجعفر محمد بن عبدالحمید ابیوردی (د. ۵۰۱ق) نماز گزارد (همان: ۷۸). قاضی ابوسعید محمد بن احمد (د. ۵۲۷ق) (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۹، ۵۲۱) بر پیکر پدرش ابونصر احمد بن محمد (د. ۴۸۲ق) قاضی القضاة نیشابور نماز اقامه کرد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۳۹).

۲-۵ خویشاوندان

گاه خویشاوندان میّت نیز بر جنازه‌ی عزیز خود نماز می‌خواندند. گزارش‌های متعددی از اقامه‌ی نماز میّت توسط پسر بر پیکر پدر موجود است. به عنوان نمونه بر ابوبکر احمد بن عمرو بن ابوعاصم (د. ۲۸۷ق) فقیه ظاهری مذهب و قاضی اصفهان (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۳، ۴۳۰-۴۳۹) فرزندش حکم بن احمد نماز گزارد (ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ۱۳۵). یا بر ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه (د. ۳۱۱ق) از پیشوایان دانش حدیث در عصر خود در نیشابور، فرزندش ابونضر بکر بن محمد (د. ۳۲۳ق) نماز اقامه کرد (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱۹-۱۲۰). همچنین در نیشابور ابومحمد عبدالله بن اسماعیل (د. ۳۷۹ق) بر جنازه‌ی پدرش ابوالعباس اسماعیل بن عبدالله (د. ۳۶۲ق) نماز گزارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۵۳۰-۵۳۴). بر ابوسهل محمد بن سلیمان صعلوکی (د. ۳۶۹ق) ادیب، مفسر، محدث و فقیه شافعی مذهب نیشابور (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۸۲؛ ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۲۳۵-۲۳۹) فرزندش ابوالطیب سهل بن محمد (د. ۴۰۴ق) که نزد او فقه آموخته بود، نماز گزارد (سبکی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۱۷۱).

در جرجان بر ابوسعید محمد بن منصور جولکی (د. ۴۱۰ق) از محدثان و والی جرجان در عهد منوچهر بن قابوس امیر آل زیار، پسرش ابوالمحاسن سعد بن محمد (سهمی، ۱۴۰۷: ۲۲۶-۲۲۷) نماز گزارد (همان: ۴۵۴). در جرجان همچنین ابوالفرج محمد بن محمد خطیب جرجان (همان: ۴۶۲) بر پدرش ابوبکر محمد بن یوسف شالنجی (د. ۴۱۸ق) قاضی و خطیب جرجان نماز اقامه کرد (همان: ۴۵۶؛ صریفینی، ۱۳۶۲: ص ۱۱-۱۲). در نمونه‌ی دیگر در نیشابور این اتفاق در دو نسل تکرار شد به این صورت که ابوعمر و محمد بن احمد (د. ۳۹۶ق) بر پدرش ابوالحسین احمد بن محمد بحیری (د. ۳۷۸ق) نماز اقامه کرد و پسرش ابوحفص بر او نماز گزارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۲، ۱۰۵-۱۰۶). بر جنازه‌ی امام الحرمین ابوالمعالی عبدالملک بن عبدالله جوینی (د. ۴۷۸ق) فرزندش ابوالقاسم مظفر بن عبدالملک نماز گزارد (ابن خلکان، ج ۳، ۱۷۰؛ سبکی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۳۳۰ و ۱۸۱). بر پیکر ابونصر احمد بن محمد (د. ۴۸۲ق) قاضی القضاة و شیخ الاسلام نیشابور (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۹، ۷-۸) نیز فرزندش قاضی ابوسعید نماز اقامه کرد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۳۸-۱۴۰).

بررسی این گزارش‌ها و دیگر نمونه‌ها بیان کننده این مطلب است که اقامه‌ی نماز میّت توسط فرزند بر پیکر پدر در اغلب موارد در خانواده‌ها و بلکه خاندان‌های دانشور صورت می‌گرفت. به بیان دیگر اقامه نماز توسط فرزندان دانشمندان که خود نیز همانند پدر از چهره‌های علمی بودند، صورت می‌گرفت. در این نمازها در درجه‌ی نخست منزلت علمی فرزند و در درجه‌ی بعد پیوند خانوادگی مطرح بود.

گویا نکته‌ای که پیش‌تر در توازن علمی_معنوی میان دانشمند متوفی و دانشمندی که بر او نماز اقامه می‌کرد، بیان شد، در اینجا نیز مطرح بود. به عبارت دیگر پسری که بر جنازه‌ی پدر نماز می‌خواند، از نظر شأن و منزلت علمی یا معنوی کمابیش هم رتبه با پدر بود. این نکته از

دقت نظر در گزارش‌ها و نمونه‌های تاریخی بدست می‌آید. افزون بر آن، گزاره‌ای تاریخی این انگاره را تأیید می‌نماید و آن اینکه بر جنازه‌ی ابومحمد عبدالله بن محمد بن مهیمن یزدی (د.۳۷۳ق) از بزرگان خراسان در دانش، ثروت و اخلاق با وجود بزرگان، قاضیان، فقها و دانشمندان، پسرش نماز گزارد و این بدان سبب بود که او چنین وصیت کرده بود (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۳، ۴۹۵). از این گزارش چنین برداشت می‌شود که منزلت اجتماعی ابومحمد یزدی اقتضا می‌کرد قاضی، فقیه یا دانشمندی برجسته بر او نماز بخواند و اقامه‌ی نماز توسط پسرش امری مغایر سنت جامعه بود که به علت وصیت او صورت گرفت.

نماز برادر بر پیکر برادر در میان پیوندهای خانوادگی از نظر فراوانی در منابع در جایگاه دوم قرار دارد و آنچه در مورد اهل علم بودن و همسنگی پسرانی که بر پدران نماز می‌خواندند، گفته شد در اینجا نیز صدق می‌کرد.

بر پیکر ابواحمد محمد بن احمد ماسرجسی (د.۳۱۵ق) از محدثان نیشابور (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۲۸۸) برادرش نماز گزارد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۳۷-۳۸). همچنین ابواحمد محمد بن محمد بن جعفر مطری (د.۳۷۶ق) بر پیکر برادرش ابوبکر محمد بن محمد بن جعفر مطری (د.۳۷۰ق) در نیشابور نماز گزارد (همان: ج ۱۲، ۳۱۶). یا ابوالعباس محمد بن احمد سلیطی بر برادرش ابوجعفر محمد بن احمد (د.۳۸۱ق) در نیشابور نماز گزارد (همان: ج ۷، ۱۹۳-۱۹۴). ابونصر محمد بن احمد اسماعیلی (د.۴۰۵ق) (سهمی، ۱۴۰۷: ص ۴۵۲-۴۵۳، سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۴۱-۲۴۲) هم بر پیکر برادرش ابوسعید اسماعیل بن احمد اسماعیلی (د.۳۹۶ق) در جرجان نماز اقامه کرد (سهمی، ۱۴۰۷: ص ۱۴۷). بر پیکر ابومعمر مفضل بن اسماعیل بن احمد اسماعیلی (د ۴۳۱ق) نیز برادرش ابوالفضل مسعود بن اسماعیل بن احمد بن ابراهیم اسماعیلی نماز خواند (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۴۳). بر ابوعبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (د.۲۷۳ق) از محدثان و مفسران مشهور در قزوین، برادرش ابوبکر نماز اقامه کرد (رافعی قزوینی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۴۹-۵۰). در قزوین همچنین فقیه ابومنصور محمد بن احمد قزوینی (د.۳۶۶ق) بر جنازه برادرش فقیه ابوالمنذر محمد بن احمد بن منصور قزوینی (د.۳۵۷ یا ۳۵۸ق) نماز گزارد (همان: ج ۱، ص ۲۰۳).

۳- مکان‌های برگزاری نماز میت

در منابع تاریخی در مواردی مکان‌های اقامه‌ی نماز میت نیز یاد شده که حکایت از اهمیت این امر دارد. بررسی این موارد حاوی نکات اجتماعی و فرهنگی جالبی است. از جمله این که بر خلاف آن چه که امروزه در بیشتر موارد مرسوم است که نماز میت در گوشه‌ای از قبرستان اقامه می‌شود، در بسیاری از مکان‌های عمومی نظیر جامع‌ها، مساجد، مدارس و میدانی شهر نماز میت خوانده می‌شد. اقامه‌ی نماز میت در مکان‌های عمومی، علاوه بر بزرگداشت متوفی، توده‌های جامعه مثل ساکنین محل یا رهگذران را که چه بسا قرابت و ارادتی هم به متوفی

نداشتند، درگیر مسأله‌ی مرگ و سفر آخرت می‌کرد. اقامه‌ی نماز میّت در مکان‌های عمومی زنگ هشدار برای عموم جامعه بود که مرگ سرنوشت محتوم آنان نیز هست و این مطلب اثر تربیتی شگرفی بر افراد جامعه داشت.

موقعیت اجتماعی متوفی و تعداد افراد شرکت کننده در مراسم تشییع که آن هم تا اندازه‌ی زیادی به موقعیت اجتماعی متوفی بستگی داشت، دو عامل تعیین کننده‌ی مکان اقامه‌ی نماز میّت بود. به عنوان مثال اقامه‌ی نماز میّت در مدارس علمی به اساتید آن مدارس و یا دانشمندان اختصاص داشت و یا هنگامی که جمعیت شرکت کننده در نماز میّت بسیار بودند و مکان‌های عمومی شهر مثل میادین، مساجد و جامع شهر جوابگوی خیل حاضران نبود، نماز میّت در خارج از شهر در مصلا یا گورستان شهر برپا می‌شد. مهم‌ترین مکان‌های برگزاری نماز میّت عبارت بودند از:

۳-۱ جامع

جامع مسجد مرکزی و اصلی شهر بود که برپایه‌ی الگوی مسجد نبوی مدینه در شهرهای اسلامی شکل گرفت و به گاه ضرورت برای فعالیت‌های عبادی، اجتماعی و سیاسی مردم در آن جمع می‌شدند و اقامه‌ی نماز جمعه در آن از مهمترین کاربردهای آن بود (بادکوبه، ۱۳۸۴: ذیل مدخل «جامع، مسجد»). جامع‌ها یکی از مکان‌هایی بودند که نماز میّت دانشمندان دینی و فقیهان و محدثان متوفی در آن‌ها اقامه می‌شد.

اقامه‌ی نماز میّت در مساجد را می‌توان از جمله کارکردهای فرهنگی_تربیتی این مساجد برشمرد.

در جامع جرجان، بر ابوسعید محمد بن منصور جولکی (د. ۴۱۰ق) از محدثان و حاکم جرجان در دوره‌ی امیر آل زیار منوچهر بن قابوس، نماز خوانده شد (سهمی، ۱۴۰۷: ۴۵۴). در جامع عتیق یا قدیم نیشابور که بزرگ‌ترین مسجد شهر کهن نیشابور بود و بنا بر قول مشهور به دستور ابومسلم خراسانی ساخته شده بود (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۷-۲۱۸)، نیز نماز میّت خوانده می‌شد. مثلاً در این جامع بر ابوحامد احمد بن محمد کرایسی (د. ۴۷۴ق) قاضی ابوالعلاء صاعد بن منصور نماز گزارد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۳۷). همچنین بر ابوالحسن علی بن احمد فنجکردی (د. ۵۱۳ق) ادیب و محدث نیشابوری، در همین جامع نماز اقامه شد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۰، ۲۴۷).

در جامع منیعی نیشابور که توسط ابوعلی حسان بن سعید منیعی (د. ۴۳۶ق) از محدثان و فقیهان عصر خود، ساخته شد و در برابر جامع عتیق، جامع جدید هم نامیده می‌شد (ریاحی، ۱۳۸۳: ۲۷۹؛ اقبال، ۱۳۱۵: ۱۰۹۰) هم نماز میّت برگزار می‌شد. در جامع منیعی بر ابو عبدالله محمد بن اسماعیل مقرئ (د. ۴۸۶ق) و ابوبکر محمد بن عبدالله روقی (د. ۵۱۵ق) نماز میّت خوانده شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۷۹ و ۸۷).

۲-۳ مصلا (عیدگاه)

مصلا مکان وسیع و روبازی بود که در حاشیه‌ی شهرها، ظاهراً فقط برای برگزاری نمازهای عید فطر و قربان آماده می‌شد و پیشینه‌ی آن به زمان زندگی پیامبر اکرم (ص) در مدینه باز می‌گردد (بادکوبه، ۱۳۸۴: ذیل مدخل «جامع، مسجد»). به سبب اقامه‌ی نماز عید در مصلا به آن «عیدگاه» نیز گفته می‌شد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل مدخل «عیدگاه»).

در برخی گزارش‌های تاریخی تصریح شده است که نماز میّت در «مصلى العید» برگزار شد. مصلا از آن جهت که محل اقامه‌ی نماز عید فطر و قربان بود و جمعیت انبوهی در آن شرکت می‌کرد، بسیار وسیع بود. به همین سبب، نماز میّت افراد نام‌آور که جمعیت انبوهی در نماز آنان حاضر می‌شدند، در مصلا برگزار می‌شد. مثلاً در مصلاّی عید جرجان بر ابوبکر محمد بن یوسف شالنجی قاضی و خطیب جرجان (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۱-۱۲)، در سال ۴۱۸ ه.ق نماز اقامه شد (سهمی، ۱۴۰۷: ۴۵۶). یا در مصلاّی عید سمرقند، بر ابوبکر محمد بن عبدالله سرخکتی (د. ۵۱۸ق) از فقها و محدثان نماز میّت خوانده شد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۷، ۱۲۰-۱۲۱). همچنین در مورد ابوجعفر محمد بن عبدالحمید مقرئ ابیوردی (د. ۵۰۱ق) گزارش شده است که در شامگاه روز عرفه از دنیا رفت و در صبح روز عید قربان جنازه‌ی او را به مصلا انتقال دادند و بعد از نماز و خطبه‌ی عید قربان بر او نماز گزارده شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۷۸). همچنین گفته شده است هنگامی که ابوالفضل خزیمه بن علی (د. ۵۴۸ق) در مرو وفات یافت، در مصلا بر او نماز گزاردند (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱، ۷۱) که به نظر می‌رسد مقصود همان مصلاّی عید یا عیدگاه مرو است.

۳-۳ میدان‌ها

میدان شهرها و محله‌ها یکی از اصلی‌ترین محل‌های برگزاری نماز میّت بوده است. با توجه به وسعت شهرها در روزگاران قدیم، هر محله از تعدادی میدان بهره می‌برد که معمولاً به نام محله یا فرد مهم ساکن محله معروف بود. از فراوانی گزارش‌های اقامه‌ی نماز میّت در میدان می‌توان نتیجه گرفت، میدان شهرها از اصلی‌ترین مکان‌های برگزاری نماز میّت حداقل برای اموات مشهور و نخبه بوده است. برگزاری نماز میّت در میدان، مردم کوی و برزن را درگیر این مسأله می‌کرد و افرادی که از نزدیکان میّت هم نبودند، به چشم‌داشت ثواب اخروی یا احترام بر میّت مسلمان در نماز میّت شرکت می‌کردند و به این ترتیب جمعیت بیشتری برای نماز میّت حاضر می‌شدند و نماز میّت که بزرگداشتی برای متوفی بود، باشکوه‌تر برگزار می‌گردید. اما این تمام ماجرا نبود؛ برگزاری نماز میّت در میدان یا وسط محله، زنگ هشدار برای همه اهالی و رهگذران آن محل بود که مرگ سرنوشت محتوم همه است و همه باید خود را برای روز حساب آماده نمایند و این مطلب اثر تربیتی مهمی بر جامعه داشت. در صورتی که اگر نماز میّت در محلی مثل گورستان، جامع شهر و ... برگزار می‌شد، چه بسا تنها نزدیکان و ارادتمندان متوفی در نماز او شرکت می‌کردند.

میدان حسین بن معاذ بن مسلم از میادین اصلی و معروف نیشابور که به تعبیر تاریخ نیشابور، «مجمع سلاطین و میان بلد بود» (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۹)، از میادینی بود که نماز میت در آن اقامه می‌شد. در این میدان بر ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه (د. ۳۱۱ق) از پیشوایان دانش حدیث در عصر خود (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۴، ۳۶۵-۳۸۲)، نماز اقامه شد؛ به گونه‌ای که از محلی که در میدان حسین بن معاذ بر او نماز گزاردند تا جنجورد که قریه‌ای بود بر دروازه‌ی نیشابور، مملو از جمعیت شد و پس از آن او را در خانه‌اش دفن کردند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱۹-۱۲۰). بر ابوبکر محمد بن عبدوس (د. ۳۳۸ق) نیز در همین میدان نماز خوانده شد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۳، ۳۵۹-۳۶۰). بر ابواسحاق ابراهیم بن محمد اسفراینی (د. ۴۱۸ق) در گورستان حیره‌ی نیشابور نماز گزاردند و او را در مشهد ابوبکر طرسوسی دفن کردند؛ اما پس از آن پسرش همراه جمعیت انبوهی وارد نیشابور شد و بعد از سه روز جنازه‌ی او را به میدان حسین بن معاذ انتقال داد و در آنجا بر او نماز گزارد و جنازه را برای دفن به اسفراین فرستاد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۵۱-۱۵۲؛ سماعی، ۱۹۶۲: ج ۱، ۲۲۵). بر ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان صابونی (د. ۴۴۹ق) جمعیت بی‌شماری در این میدان نماز خواندند و بر برادر او ابوعلی اسحاق بن عبدالرحمان صابونی (د. ۴۵۵ق) نیز در همین میدان نماز اقامه شد و هر دو در مشهد محله‌ی حرب دفن شدند (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۸۰ و ۲۱۹). امام الحرمین جوینی (د. ۴۷۸ق) فقیه شهیر شافعی‌مذهب نیشابور، در بشتگان از قرای نیشابور (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۱، ۴۲۵-۴۲۶) درگذشت و جنازه‌اش شبانه به نیشابور منتقل شد و در میدان حسین بر او نماز گزارده شد و در خانه‌اش دفن گردید (سبکی، ۱۴۱۳: ج ۵، ۱۸۱). بر ابویعقوب اسحاق بن احمد محمدآبادی (د. ۴۷۸ق) نیز در میدان حسین نیشابور نماز خوانده شد و در مقبره جدش معروف به مشهد اسحاقیه در شط الوادی دفن شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۲۲۳). بر ابوحاتم محمد بن اسحاق خطیبی (د. ۴۸۸ق) نیز در همین میدان نماز اقامه شد و در گورستان شاهنبر نیشابور دفن شد (همان: ۸۶).

از نمونه‌ها یاد شده بر می‌آید که میدان محل اقامه‌ی نماز با محل دفن، تناسبی از جهت مسافت یا مسیر نداشتند و چنین نبود که بر افرادی که قرار بود در گورستان یا مقبره‌ی خاصی دفن شوند، در میدان نزدیک یا در مسیر آن گورستان نماز اقامه شود. بلکه بر افراد در میدان محل سکونت آنها و یا میدان مهم شهر یا محله‌ای که با شهرت آنها و تعداد افراد حاضر در مراسم نماز آنها تناسب داشت، نماز اقامه می‌شد.

از دیگر میادین اصلی و معروف نیشابور، میدان زیادبن عبدالرحمان بود. در این میدان بر ابوالحسن احمد بن محمد شجاعی (د. ۴۹۰ق) و ابوالقاسم اسحاق بن عمر شجاعی (د. ۵۲۰ق) نماز خوانده شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۴۱ و ۲۲۴).

در منابع از میدان طاهریه و میدان عبدالله بن طاهر در نیشابور نیز یاد شده است که احتمالاً این دو میدان یکی است. بر ابوبکر احمد بن حسین مهرانی (د. ۳۸۱ق) در میدان طاهریه‌ی

نیشابور نماز خوانده شد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۱۲، ۴۹۱) و بر ابوالعباس محمد بن احمد سلیطی نیز در میدان عبدالله بن طاهر نماز خواندند (همان: ج ۷، ۱۹۴).

نماز میت گاهی نیز در وسط و میان محله برگزار می‌شد. مثلاً گزارش شده است که در وسط محله‌ی مولقباد نیشابور بر ابوعبدالرحمان عمر بن محمد بحیری (د. ۴۴۶ق) نماز اقامه شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۶۰۸) و در صحن مولقباد بر ابوسعید احمد بن محمد محمدآبادی (د. ۴۲۷ق) نماز خوانده شد (همان: ۱۱۳). ظاهراً مقصود از صحن مولقباد همان وسط و میان محله‌ی مولقباد نیشابور است.

گزارشی نیز در دست است که بر ابوبکر محمد بن احمد نسوی (د. ۴۸۴ق) بر در مسجد مطرز نماز خوانده شد (همان: ۸۲-۸۳). اقامه‌ی نماز میت در این محل را می‌توان به اقامه‌ی نماز در میان محله ملحق کرد.

اگرچه میدان‌ها در قدیم بسیار محدود بودند و وسعت آنها با میدان‌های روزگار ما قابل مقایسه نیست، با این وجود در نمازهای میتی که در میداین برگزار می‌شد جمعیت نسبتاً زیادی حاضر می‌شد و چنان‌که ملاحظه شد، نماز میت افراد سرشناس محله یا شهر در میداین برگزار می‌شد. البته گاهی نیز فضای میدان به سبب محصور بودن آن برای جمعیت شرکت‌کننده در نماز میت پاسخگو نبود و به همین سبب نماز میت در مکان‌های وسیع‌تری مثل گورستان برگزار می‌شد.

۳-۴ گورستان‌ها

گورستان‌ها هم یکی از مکان‌های اقامه‌ی نماز میت بود. برخی گورستان‌ها مصلاً داشتند. مصلاً گورستان متفاوت از مصلاً عید بود و صرفاً محلی برای اقامه‌ی نماز میت بود. بر ابوعمر و احمد بن محمد حیری (د ۳۱۷ق) در مصلاً حیره نماز خواندند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۱۱). حیره محله‌ای بزرگ در نیشابور کهن و گورستان حیره از معروف‌ترین گورستان‌های نیشابور بود که چهره‌های سرشناس زیادی در آن دفن شدند. به احتمال زیاد مقصود از مصلاً حیره همان مصلاً گورستان حیره است. زیرا در گزارشی تصریح شده است که در مصلى مقبره (گورستان) حیره بر ابومحمد بن عبدالله بن محمد سمذی (د ۳۶۶ق) پسرش ابوسعید نماز خواند و او را در همان گورستان دفن کرد (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۷، ۲۱۶-۲۱۷).

بر ابوعبدالله محمد بن یونس نیشابوری (د. ۳۳۱ق) نیز در مصلاً باب المعمر نماز خواندند (همان: ج ۸، ۱۰۸-۱۰۹). بر ابویعقوب اسحاق بن ممشاد کرامی (د. ۳۸۳ق) در گورستان خوانجان نماز خوانده شد. چون میداین شهر برای حاضران در نماز او وسعت کافی نداشت (همان: ج ۱۱، ۶۲-۶۳).

محمد بن حسن قمی در تاریخ قم نقل کرده است که ابواحمد عبیدالله بن احمد از سادات علوی و از نوادگان محمد حنفیه که به قم آمدند را در مقبره مالک آباد قم، در قبه‌ای آجری، که

نزدیک آن قبه بر مردگان نماز می‌خواندند، دفن کردند (قمی، ۱۳۸۵: ۶۵۹-۶۶۰). از این گزارش فهمیده می‌شود که در محل ویژه‌ای در آن گورستان بر اموات نماز می‌گزاردند.

۳-۵ مدارس

مدرسه‌ها نیز به سبب جایگاه آموزشی و دینی، از مکان‌های اقامه‌ی نماز میّت بود. در شهرهای ایران از قرن چهارم هجری، مدارس زیادی پدید آمد. به نظر می‌رسد که اقامه‌ی نماز میّت در مدارس به دانشمندان اختصاص داشت. دانشمندی که عمری را در این مدارس و در میان اهل علم به تعلّم و تعلیم سپری کرده بود، با اقامه‌ی نماز میّت بر پیکرش در مدرسه و در میان اهل علم تکریم می‌شد.

بر ابوالحسن احمد بن عبدالرحیم اسماعیلی از محدثان سرشناس نیشابور و از خانواده‌ای علمی (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۸، ۲۵۰-۲۵۱)، در مدرسه‌ی جدش در سال ۴۶۹ ه.ق نماز خوانده شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۱۳۱). بر ابوبکر محمد بن یحیی مزکی (د. ۴۷۴ق) که او نیز از محدثان مشهور و از خاندان‌های علمی نیشابور بود (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۸، ۳۹۸-۴۰۰)، در مدرسه‌ی سهل صعلوکی نماز گزارده شد (صریفینی، ۱۳۶۲: ۶۱).

عمر بن محمد نسفی (د. ۵۳۷ق) مؤلف *التند فی ذکر علماء سمرقند* در مدرسه سید بغدادی سمرقند، بر جنازه‌ی ابوسعید عبدالله بن ابوالمظفر بن ابویعمر نسفی (د. ۵۲۳ق) نماز اقامه کرد (نسفی، ۱۳۷۸: ۳۴۶).

۳-۶ دشت و صحرا

گزارش‌هایی نیز از برپایی نماز میّت در دشت و صحرا وجود دارد. گزارش شده است که بر امیر سامانی ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی (د. ۳۸۷ق) در دشت نماز خواندند (سمعانی، ۱۹۶۲: ج ۷، ۲۷). همچنین گزارش شده است که بر پیکر ابوسعید اسماعیل بن احمد اسماعیلی (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۷، ۸۷-۸۸) در سال ۳۹۶ ه.ق در صحرای باب الخندق جرجان نماز اقامه شد (سهمی، ۱۴۰۷: ۱۴۷).

۳-۷ اماکن حکومتی

بر قاضی ابواحمد محمد بن محمد نیشابوری معروف به «محدث خراسان» (ذهبی، ۱۹۸۵: ج ۱۶، ۳۷۰-۳۷۷) در محل دیوان الجیش در سال ۳۷۸ ه.ق نماز اقامه شد (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۸۷). دیوان الجیش محلی بود که در آن به امور و مسائل لشکر و سپاهیان و پرداخت حقوق و مواجب آنان رسیدگی می‌شد. دیوان الجیش خراسان، در قرن چهارم در نیشابور قرار داشت (برای آگاهی بیشتر، نک: قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۱-۳۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۸: ۷۶).

۴- نتیجه‌گیری

نماز میّت یکی از آیین‌های دینی متأثر از شریعت اسلام، در ایران دوره‌ی اسلامی رواج داشته است. نماز میّت در واقع تجلیل و بزرگداشت متوفای مسلمان بود و از همین رو موقعیت و جایگاه اجتماعی متوفی در تعیین امام جماعت نماز و مکان برگزاری آن موثر بود.

خلیفه، امیران، والیان و کارگزاران حکومتی، دانشمندان، قضات و خویشاوندان میّت از مهمترین گروه‌هایی بودند که به اقامه‌ی نماز بر میّت مسلمان مبادرت می‌کردند. از آنجا که حکومت در اسلام جنبه دینی داشت، خلفا، والیان و کارگزاران حکومتی با توجه به شأن دینی که برای حاکمیت خود قائل بودند، نماز میّت برخی از اموات مشهور را که اغلب از وابستگان سیاسی آنان نیز بودند، اقامه می‌کردند.

دانشمندان علم حدیث، فقها و گروهی دیگر بودند که گزارش‌های متعددی از اقامه‌ی نماز میّت توسط آنان در دست است. از آنجا که محدثان و فقیهان، آگاهان و مرزبانان شریعت و احکام بودند و نماز میّت نیز حکمی شرعی بود، اقامه‌ی نماز میّت توسط آنان طبیعی است. اگر خویشاوندان میّت خود از دانشمندان و بزرگان بودند، اقامه‌ی نماز میّت توسط آنان نسبت به سایر دانشمندان و بزرگان ترجیح داشت.

اقامه‌ی نماز میّت علاوه بر تعظیم شعائر، تجلیل و بزرگداشتی برای متوفای مسلمان بود. بر این اساس نوعی توازن اجتماعی بین متوفی و فردی که بر او نماز می‌خواند، برقرار بود و یا در صورت عدم این توازن، اقامه‌ی نماز میّت توسط یک رجل سیاسی - حکومتی یا یک عالم برجسته، بیانگر شأن اجتماعی بالای او در جامعه از نظر سیاسی و یا علمی - معنوی بود و برای افراد جامعه حائز اهمیت بود که نماز میّت افراد را چه کسی می‌خواند. از همین رو در بسیاری از منابع از قبیل تواریخ محلی، کتب تراجم و طبقات و حتی تاریخ‌های عمومی در موارد متعددی اقامه‌کنندگان نماز میّت بزرگان و مشاهیر بیان شده است.

مهمترین مکان‌های اقامه نماز میّت عبارت بودند از: جامع‌ها، مصلاها، میادین شهر، گورستان‌ها، مدارس و دشت و صحرا. پایگاه و جایگاه اجتماعی متوفی و تعداد افراد شرکت کننده در تشییع جنازه‌ی او - که این هم تا حدّ زیادی وابسته به پایگاه و جایگاه اجتماعی او بود - عوامل تعیین کننده در تعیین محل اقامه‌ی نماز میّت بودند.

کتابنامه

ابن اثیر، عزالدین، (۱۹۸۹)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دار الفکر.
ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، *عیون أخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.

ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابی‌بکر، (بی‌تا)، *وفیات الأعیان و أبناء أبناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.

ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۰)، *تاریخ اصبهان* (ذکر اخبار اصبهان)، بیروت: دارالکتب العلمیه.

اصفهانی، ابوالفرج، (بی‌تا)، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.

اقبال، عباس، (۱۳۱۵)، «تبعات تاریخی: جامع منیعی نیشابور»، در: مهر، شماره‌ی ۱۱.

بادکوبه هزاوه، احمد، (۱۳۸۴)، دانشنامه‌ی جهان اسلام، ذیل مدخل «جامع، مسجد»، ج ۹، ۳۰۲-۳۱۴، چاپ اول، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

تاریخ سیستان، (۱۳۶۶)، تصحیح ملک الشعراى بهار، تهران: پدیده خاور.

حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، مترجم محمد بن حسین خلیفه نیشابوری تهران: آگه.

خوارزمی، محمد بن احمد، (۱۴۲۸)، مفاتیح العلوم، محقق عبدالامیر اعسم، بیروت: دار المناهل. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، ذیل مدخل «عیدگاه»، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ذهبی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۹۸۵)، سیر أعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه‌ی الرسالة. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۸)، التدوین فی اخبار قزوین، بیروت: دارالکتب العلمیه. ریاحی، محمد حسین، (۱۳۸۳)، «تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور»، در: فروغ مسجد؛ مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش هفته جهانی مساجد، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی ثقلین.

زرکلی، خیرالدین، (۲۰۰۲)، الأعلام، چاپ پانزدهم، بیروت: دارالعلم للملایین. سبکی، عبدالوهاب بن علی، (۱۴۱۳)، طبقات الشافعیة الكبرى، محقق محمود محمد الطناحی و عبدالفتاح محمد الحلو، هجر للطباعة والنشر والتوزيع. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، (۱۹۶۲)، الأنساب، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه.

سهمی، حمزه بن یوسف، (۱۴۰۷)، تاریخ جرجان، بیروت: عالم الکتب. صریفینی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، (۱۳۶۲)، تاریخ نیشابور: المنتخب من السياق، تصحیح محمد کاظم محمودی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه‌ی قم. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۸۷)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، بیروت: روائع التراث العربی.

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه‌ی قم.

عطار نیشابوری، فرید الدین، (۱۳۶۱)، اسرارنامه، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: کتابفروشی زوار.

قدامه بن جعفر، (۱۹۸۱)، الخراج و صنعۃ الکتابه، شرح و تعلیق محمد حسین الزبیدی، بغداد: دار الرشید للنشر.

قمی، حسن بن محمد بن حسن، (۱۳۸۵)، تاریخ قم، مترجم حسن بن علی بن عبدالملک قمی، قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱)، الفقه علی المذاهب الخمسة، بیروت: دارالتیاری جدید- دار الجواد.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، تهران: توس.
- نسفی، عمر بن محمد، (۱۳۷۸)، القند فی ذکر علماء سمرقند، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله، (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

